

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان / سال یکم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۲ / صفحات ۱۳۳-۱۰۷

نگرش سنجی رابطه‌ی دولت و ملت در ایران (روش‌شناسی کیو)

مجتبی احمدیان^۱، روح‌اله اسلامی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۸/۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۲۴

چکیده

در یک نظام مردم‌سالار دینی مردم در ایجاد مقبولیت برای حکومت و در جهت کارآمدسازی آن مؤثرند. اما شیوه‌ی نگرش مردم در مورد میزان و چگونگی ایفای نقش خود در حکومت تحت تأثیر عوامل مختلف، در گذر زمان دستخوش تغییر می‌شود که عامل مؤثری در تعیین رابطه‌ی متقابل ملت و دولت و در نتیجه تعیین میزان مقبولیت و کارآمدی نظام است. در این پژوهش سعی شده نگرش مردم ایران در رابطه با راه‌های بهبود اوضاع کشور بررسی و تأثیر عوامل احتمالی در نوع نگرش آنان شناسایی گردد. بدین منظور از روش‌شناسی کیو برای کشف نگرش‌ها و عامل‌های موجود در آن استفاده شده است. در این روش پس از شناسایی فضای گفتمان موجود، با گزینش افرادی دارای نگرش‌های متفاوت و نظرخواهی از آنان، نظرات آنان بررسی شده و با تحلیل عاملی آن افرادی با نظرات مشابه در کنار هم قرار گرفته و ذهنیت افراد هر گروه مورد شناسایی و تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد نوع نگرش مردم به رابطه‌ی دولت و ملت و به تبع آن نقش خود در کارآمدی حکومت، عامل تعیین‌کننده‌ای در نوع نگاه آنان به مسائل و مشکلات کشور و شیوه‌ی رفتار سیاسی و اجتماعی آنان است که لزوم توجه مدیریت کلان کشور نسبت به مدیریت افکار عمومی و اصلاح نگرش مردم در این زمینه را نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: روش‌شناسی کیو، فرهنگ سیاسی، کارآمدی، مشروعیت، ایران.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

email: mojtabi@gmail.com

email: eslami.r@ac.au.ir

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مؤسسه آموزش عالی نور طویی تهران

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

۱. بیان مسأله

حضور تاریخی ایرانیان در تمدن‌سازی در ادوار مختلف با فراز و فرودهای متعددی همراه بوده است. بعد از گذشت بیش از سه دهه از انقلاب اسلامی، گرچه بسیاری از آرمان‌های انقلابی مردم محقق شده، اما هنوز تا رسیدن به آرمان‌های جمهوری اسلامی فاصله وجود دارد. در برهه‌ی حاضر مردم ایران رشد در عرصه‌های مختلف را ناکافی می‌دانند و ایده‌هایی که برای رسیدن به نقاط مطلوب ذهنی خود دارند، متفاوت است. در عین حال که برای رسیدن به نقاط مشترک نیز راه‌های متفاوتی پیشنهاد می‌کنند که این تفاوت‌ها وابسته به نوع نگرش آنان است که در این پژوهش درصدد شناسایی، تحلیل و بررسی آن هستیم.

۲. اهداف و پرسش‌های پژوهش

پژوهش حاضر با مرور ادبیات جاری درخصوص رابطه‌ی دولت و ملت، به دنبال کشف نگرش شهروندان درخصوص چگونگی بهبود اوضاع کشور است. در این پژوهش سعی شده به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

- ۱- شهروندان چه راه‌هایی را برای بهبود اوضاع کشور در فرآیند رابطه‌ی دولت و ملت کارا تر می‌دانند؟
- ۲- عوامل موجود در نگرش مردم به مسائل کلان کشور کدام است؟
- ۳- ابعاد پنهان^۱ موجود در شیوه‌ی نگرش آن‌ها چیست؟

۳. مبانی نظری و مروری بر ادبیات پژوهش

۳-۱. فرهنگ سیاسی، مشارکت سیاسی و نقش مردم در حکومت

در مورد رابطه‌ی دولت و ملت باید به فرهنگ سیاسی رجوع کرد. فرهنگ، مجموعه باورها، اعتقادات و آگاهی‌های فردی و جمعی است که به صورت خودآگاه و ناخودآگاه کنش را شکل می‌دهد. فرهنگ سیاسی چارچوب معنایی کنش سیاسی را رقم می‌زند و در این مقاله برای درک رابطه‌ی دولت و ملت باید فرهنگ سیاسی ایران را فهم کرد. فرهنگ سیاسی «تلقی مردم و جهت‌گیری آن‌ها نسبت به نظام سیاسی و کارکردهای آن [است]». فرهنگ سیاسی محصول تاریخ نظام سیاسی است که ریشه در رفتار عمومی و نیز تجارب شخصی داشته و مطالعه‌ی دقیق آن فرآیند تبدیل تقاضاها و خواست‌ها را به تصمیمات، استراتژی‌ها و سیاست‌ها نشان می‌دهد (قوام، ۱۳۸۸، ص ۱۰۵).

گابریل آلموند و همکارانش فرهنگ سیاسی را در سه سطح سیستم، فرآیند و سیاست‌گذاری، ترسیم می‌کنند. مهم‌ترین موضوعی که در سطح سیستم مطرح می‌شود، مبنا و نوع مشروعیت نظام و رهبران آن است که جهت‌گیری‌های ارزشی، عملی و اطاعت شهروندان تا اندازه‌ی زیادی به آن وابسته است. در سطح

فرایند، نهادهای مشارکتی (احزاب و گروه‌های سیاسی) و کیفیت مشارکت سیاسی از حیث فعالانه و منفعلانه بودن آن مطرح است. سومین سطح فرهنگ سیاسی، سطح سیاست‌گذاری است که در این سطح مهم‌ترین اولویت‌های مردم در تصمیم‌گیری‌ها به‌عنوان بخشی از فرهنگ سیاسی مطرح می‌شود. این اولویت‌ها می‌تواند آزادی، عدالت، امنیت و برابری باشد (سردارآبادی، ۱۳۸۰: ۱۵۸).

آلموند و وربا در نظرات خود، فرهنگ سیاسی را برآیندی از نگرش‌ها و جهت‌گیری‌های همه‌ی اعضای جامعه معرفی کردند. (بشیریه، ۱۳۸۰: ۱۶۲). آن‌ها بنا بر حاصل پژوهش‌های خود در چند کشور، به‌طور کلی سه نوع فرهنگ سیاسی را شناسایی نمودند:

۱- فرهنگ سیاسی ناقص، یا سنتی: این نوع فرهنگ در جوامع ابتدایی و سنتی که در آن‌ها تخصص در سطح پایینی است، یافت می‌شود. در این نوع از فرهنگ سیاسی که در ساخت‌های بدون دولت تکوین می‌یابد، فرد نه به‌طور مستقیم از عملیات و یا خط‌مشی سیاسی «نظام سیاسی ملی» آگاه است و نه خود را به‌عنوان عضوی از یک ملت می‌شناسد (رزاقی، ۱۳۷۵: ۲۰۳). در این فرهنگ انتظارات و توقعات مردم از حکومت بسیار اندک است و مشارکت سیاسی نیز وجود ندارد.

۲- فرهنگ سیاسی تبعی یا انفعالی: در چنین فرهنگی ارتباط با نظام سیاسی در سطح کلی است. در فرهنگ سیاسی انفعالی آگاهی سیاسی و ملی وجود دارد، اما مردم به دلیل ترس یا احترام و یا ضعف ساختارهای نهاده از حکومت بی‌چون و چرا و منفعلانه اطاعت می‌کنند. می‌توان این‌گونه گفت که بیشتر ارتباط جامعه و گروه‌ها با حاکمیت یک‌طرفه است و از بالا به پایین صورت می‌گیرد. این نوع فرهنگ سیاسی، خاص نظام‌های سیاسی از نوع پدرسالانه، الیگارشیک، سلطنتی و دیوان‌سالاری متمرکز است. (سردارآبادی، ۱۳۸۰، ص. ۱۵۹).

۳- فرهنگ سیاسی مشارکتی: در این نوع فرهنگ که ویژه‌ی جوامع پیشرفته است، شهروندان نقش فعال و مشارکتی در تمامی ابعاد جامعه دارند. افراد از درون‌دادها و برون‌دادهای نظام سیاسی آگاهی دارند و به عبارت دیگر از حقوق و وظایف خود مطلعند. این نوع فرهنگ مربوط به نظام‌های سیاسی دمکراتیک بوده که افراد از خود تلقی شهروندی دارند و شناخت آن‌ها از نظام سیاسی نسبتاً زیاد است (سردارآبادی، ۱۳۸۰: ۱۵۹؛ آلموند و وربا، ۱۹۷۴).

البته باید توجه داشت که این تقسیم‌بندی از فرهنگ سیاسی، در عالم واقع به‌صورت ناب و خالص وجود ندارد، بلکه همیشه ترکیبی از آن‌ها دیده می‌شود. لذا آلموند و وربا از سه نوع جهت‌گیری دیگر که تکمیل‌کننده‌ی تقسیم‌بندی قبلی خودشان است نام می‌برند: فرهنگ سیاسی ناقص-تبعی؛ فرهنگ سیاسی تبعی-مشارکتی؛ فرهنگ سیاسی ناقص-مشارکتی (صحرایی، ۱۳۹۱، ص ۸).

با توجه به توضیحات فوق لازم می‌نماید درباره‌ی فرهنگ سیاسی ایران و جایگاه آن هم توضیحاتی بیان شود. جامعه‌ی ایران اکنون در یک وضعیت دشوار و پیچیده‌ی مرحله گذار از جامعه‌ی سنتی به جامعه‌ی متجدد و مدرن قرار دارد. فرهنگ سیاسی ما هم به تبعیت از این مرحله گذار، میان دو شکل متضاد فرهنگ تبعی و مشارکتی به‌سر می‌برد. بدین ترتیب فرهنگ سیاسی ما می‌تواند به این معنا، در عین مدرن بودن، غیرمدرن و در عین سیاسی بودن، غیرسیاسی باشد. (رزاقی، ۱۳۷۵، ص ۲۰۵).

در فرهنگ سیاسی هر جامعه ملاک‌ها و معیارهایی وجود دارد که رابطه‌ی شهروندان را با نظام سیاسی حاکم تنظیم می‌کند. (رئوفت، بی‌تا) در تعریفی جامع، «مشارکت سیاسی عبارت است از هر نوع اقدام داوطلبانه، موفق یا ناموفق، سازمان‌یافته و بی‌سازمان، مقطعی یا مستمر که برای تأثیرگذاری بر انتخاب سیاست‌های عمومی، اداره‌ی امور عمومی یا گزینش رهبران سیاسی در سطوح مختلف حکومتی اعم از محلی و یا ملی، روش‌های قانونی یا غیرقانونی را به کار گیرد.» (پای، ۱۳۸۰، ص ۲۴۷) با این تعریف مشارکت سیاسی مردم می‌تواند طیف وسیعی را دربرگیرد که از عدم مشارکت، تا مشارکت حداکثری گسترده است. با توجه به تقسیم‌بندی آلبا و وریا در مورد فرهنگ سیاسی می‌توان مشارکت سیاسی، به معنای نقش مردم در حکومت را در دو انگاره گنجاند:

۱. جایگاه و نقش مردم با هویت فعال^۱ در حکومت

۲. جایگاه و نقش مردم با هویت موضوعی^۲ در حکومت

در فرهنگ سیاسی تبعی و سنتی، مردم دارای جایگاه موضوعی هستند و در فرهنگ سیاسی مشارکتی، مردم دارای جایگاهی فعال در حکومت می‌باشند. این حضور و نقش دوگانه‌ی مردم، بیشتر در دو کارکرد نسبت به حکومت عینیت و اهمیت پیدا می‌کنند: نقش و جایگاه مردم در مشروعیت حکومت و نقش و جایگاه مردم در کارآمدی حکومت. (همایون، ۱۳۸۰، ص ص ۲۶۲-۲۶۳)

۱-۱-۳. نقش مردم در مشروعیت حکومت

مشروعیت^۳ این است که براساس چه ملاک و با اتکا به چه منبع یا منابعی، اعمال قدرت و حاکمیت توجیه می‌شود. به عبارت دیگر مشروعیت یک نظام سیاسی یعنی اینکه اولاً «چنین نظام سیاسی واجد حق حکمرانی است و [دوماً] توقع دارد که مردم از قوانین و مقرراتش اطاعت کنند.» (وینسنت، ۱۳۸۱) با این توضیح روشن می‌شود که مراد از «مشروعیت» این است که چه منبعی حاکم را مجاز می‌دارد که در امور اجتماعی تصرف کند و لزوم اطاعت از او را موجه می‌سازد. دیدگاه‌های گوناگونی که از سوی اندیشه‌وران ابراز شده است را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم نمود:

آ. بیگانگی مشروعیت و مردم: در یک دیدگاه مردم و مشروعیت با هم بیگانه‌اند و مردم ناتوان از آنند که بتوانند ستون مشروعیت را بالا برند و به آن توان و نیرو دهند. حکومت‌های پادشاهی موروثی نمود بارز این دیدگاه‌اند.

ب. مشروعیت بخشی مطلق مردم: در برابر دیدگاه اول، دیدگاهی وجود دارد که مشروعیت را تنها و تنها از آن مردم می‌انگارد و هیچ امر دیگری را در آن دارای نقش نمی‌داند. «دموکراسی»، یا «مردم‌سالاری» را می‌توان در این بخش جای داد. پیشینه‌ی این اصطلاح به آتن در قرن پنجم قبل از میلاد باز می‌گردد که در آن دموکراسی به معنی حکومت مردم بر مردم و برای مردم آمده است. افلاطون این مفهوم را به کار برد و آن را در ظاهر از همه‌ی حکومت‌ها زیباتر دانست؛ به این بیان که همچون لباس

رنگارنگ که زنان و کودکان از آن فریفته می‌شوند، دموکراسی نیز ظاهری فریبنده دارد. امروزه تعاریف متعددی از دموکراسی شده است. بسیاری آن را روشی حکومتی می‌دانند که گروهی به نام اکثریت مردم می‌توانند کنترل سیاسی خود را اعمال کنند (اسحاقی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۴).

پ. مشروعیت از آن خدا؛ مقبولیت از آن مردم؛ اما دیدگاهی واسطه، با جدادانستن دو مقوله‌ی مشروعیت و مقبولیت، مشروعیت را امری غیرانتخابی توسط مردم، اما مقبولیت را از آن مردم می‌داند که دو رکن برقراری یک نظام‌اند. نظام اسلامی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی نشأت گرفته از این دیدگاه است. صاحبان این دیدگاه، یعنی فقها و اندیشمندان شیعه، منبع مشروعیت در حکومت را تنها «نصب الهی» می‌دانند؛ یعنی خداوند، حاکم اسلامی (پیامبر، ائمه معصومین و ولی فقیه در زمان غیبت معصوم) را برای رهبری جامعه‌ی اسلامی نصب کرده و مسلمانان را به اطاعت از او فراخوانده است. منظور از مقبولیت «پذیرش مردمی» است. اگر مردم به فریاد گروهی برای حکومت تمایل نشان دهند و خواستار اعمال حاکمیت از طرف آن فرد یا گروه باشند و در نتیجه حکومتی بر اساس خواست مردم تشکیل گردد، گفته می‌شود آن حکومت دارای مقبولیت است. به عبارت دیگر، حاکمان و حکومت‌ها را می‌توان به دو دسته‌ی کلی تقسیم کرد:

۱. حکومت‌هایی که مردم و افراد یک جامعه از روی رضا و رغبت تن به حاکمیت و اعمال سلطه‌ی آن‌ها می‌دهند؛
۲. حاکمان و حکومت‌هایی که مردم و افراد یک جامعه از روی اجبار و اکراه از آنان اطاعت می‌کنند (نادری، ۱۳۷۸، ص ۵۳).

۳-۱-۲. نقش و جایگاه مردم در کارآمدی حکومت

از اساسی‌ترین پایه‌های حکومت در کنار عنصر مشروعیت، کارآمدی آن است. ضرورت و اهمیت این پایه تا بدان حد است که در صورت بی‌توجهی و نپرداختن به آن، عنصر مشروعیت به‌تنهایی کاری از پیش نمی‌برد و در درازمدت مشروعیت به ضد خود تبدیل می‌گردد. به همین جهت کارآمدی را «مشروعیت عملی» یا «مشروعیت همیشگی»، می‌توان نامید. به بیان دیگر «یک حکومت مردم‌سالار نه‌تنها باید بر اصول مردم‌سالار استوار باشد، بلکه باید به‌صورت مردم‌سالار نیز اداره شود.» (قلی‌پور، ۱۳۷۸، ص ۱۳۴)

کارآمدی با کلماتی مانند «اثربخشی» و «تقرب به هدف» مترادف است (زاهدی و دیگران، ۱۳۷۹، ص ۱۱۱). در فرهنگ اصطلاحات مدیریت، کارآمدی «میزان موفقیت در تحقق هدف‌ها و یا انجام مأموریت» که نشان‌دهنده‌ی درجه‌ی رسیدن به اهداف است، تعریف شده است (معینی، ۱۳۷۰، ص ۵۵). نظام سیاسی، آنگاه کارآیی دارد که بتواند وظایفی را که بیشترین مردم از آن متوقع هستند انجام دهد و وظیفه‌ی اصلی یک نظام سیاسی، پشتیبانی همه‌جانبه از زندگی فردی، اجتماعی، سیاسی، مادی و معنوی همه‌ی شهروندان، به‌ویژه پاسداری از آسایش و امنیت تک تک آنان در اجتماع است (قائدی، ۱۳۸۳، ص ۲۹۹). به‌عنوان نمونه، یکی از بحث‌های مرتبط با افزایش بنیه‌ی امنیتی یک کشور ناظر به «کارآمدی» آن حکومت است. مطمئناً کشوری که بتواند در حوزه‌ی داخلی کارآمد باشد و بتواند ظرفیت‌ها و امتیازات و

فرصت‌های مطلوبی برای رفاه بیشتر مردم تحت حاکمیت خویش فراهم سازد، از ضریب امنیت ملی بیشتری برخوردار است (بصیری، ۱۳۷۹، ص ص ۷۱-۷۲).

لذا می‌توان گفت کارآمدی بر پایه‌ی اصول زیر شکل می‌گیرد:

۱. مدیریت: یکی از ستون‌های کارآمدی حکومت وجود مدیریت قوی، سالم و انسان محور است. برای مدیریت سازوکارهای گوناگون لازم است و در هر قلمروی از قلمروها ویژگی‌های سازگار با خود را خواستار است.

۲. هدف: هیچ حکومتی نمی‌تواند هدف و یا اهدافی را دنبال نکند. آنچه در این هدف‌ها مهم است، شفاف‌بودن هدف، دستیاب‌بودن هدف، و برآورده‌کننده‌ی حقوق انسانی بودن آن است. هرگاه این ویژگی‌ها از هدف و یا اهداف ستانده شود پیامد آن ناکارآمدی حکومت است. شفاف‌بودن هدف‌ها نه‌تنها برای حاکمان، بلکه بیش از آن برای مردم (به‌ویژه مردم در هويت فعال) ضروری و بایسته است؛ زیرا مردم سازوکار به حقیقت پیوستن آن را می‌سازند و برای آن هزینه می‌کنند و در صورت ابهام از هر دو عمل باز می‌ایستند.

دستیاب‌بودن هدف نیز چنین است. نادرستیاب‌بودن هدف افزون بر این که انگیزش و پویایی را از مردم می‌ستاند، انتظارات دروغینی نیز در آن‌ها به‌وجود می‌آورد که هر دو امر هم برای حکومت و هم برای جامعه ناگواری‌هایی را در پی دارد، که پیامد این‌گونه آسیب‌ها برای حکومت مانند استبداد، روزمره‌گی و... است که کم‌کم کارایی حکومت را کاهش می‌دهند.

سرانجام هدف‌هایی که به حقوق انسانی بی‌حرمتی روا دارند، به‌طور طبیعی از چشم مردم می‌افتند و از گردونه خارج می‌شوند.

در نتیجه با توجه به سه ویژگی یادشده هدف، به این نکته‌ی کلیدی می‌رسیم که مردم در روشنگری و به حقیقت پیوستن هدف‌های حکومتی نقش بنیادی و اجرایی دارند (همايون، ۱۳۸۰، ص ص ۲۷۲-۲۷۳). به بیان دیگر می‌توان گفت «رویه‌های سیاسی دولت تا حد زیادی به رویه‌های جامعه‌ی مدنی بستگی دارد... و دولت به همان اندازه که در پی تأثیرگذاری بر جامعه‌ی مدنی است، از جامعه‌ی مدنی خودآگاه نیز تأثیر می‌پذیرد.» (چاندوک، ۱۳۷۷، ص ۵)

۳-۲. مردم‌سالاری دینی و نقش مردم در آن

برخی این واژه را که نخستین بار طی سال‌های اخیر از سوی آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران برای توصیف و تبیین نظام جمهوری اسلامی به‌کار رفت، «ترکیبی از دو واژه‌ی مردم‌سالاری و دینی دانسته‌اند؛ در حالی که بسیاری از نظریه‌پردازان اسلامی آن را واژه‌ای مرکب نمی‌دانند. آنان قائل‌اند که مردم‌سالاری دینی به معنای ترکیب دین و مردم‌سالاری نیست، بلکه یک حقیقت واحد در جوهره‌ی نظام اسلامی است؛ یعنی اگر بنا باشد نظامی بر مبنای دین شکل گیرد، بدون پذیرش مردم ممکن نیست. ضمن آنکه تحقق مردم‌سالاری واقعی هم بدون دین امکان‌پذیر نیست.» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۲)

در واقع این اندیشه امر جدیدی نیست، بلکه ریشه در پارادایم اسلامی شیعی دارد. خواستگاه مردم‌سالاری دینی، حکومت پیامبر اسلام (ص)، و پس از آن علی‌بن‌ابی‌طالب (ع) است. اما پس از قرن‌ها، با وقوع انقلاب اسلامی به رهبری آیت‌الله خمینی (ره) این اولین بار است که شیعیان با نگرش فقه‌آلودی در غیاب امام معصوم توانسته‌اند رأساً به تشکیل حکومت اقدام، و تفکرات خود را به‌طور عملی و نظری تبیین، نشر و اجرا نمایند. «جمهوری اسلامی [بر این] دو پایه استوار است: یکی جمهوری، یعنی آحاد مردم و جمعیت کشور؛ آن‌ها هستند که امر اداره‌ی کشور و تشکیلات دولتی و مدیریت کشور را تعیین می‌کنند. و دیگری اسلام، یعنی این حرکت مردم بر پایه‌ی تفکر اسلام و شریعت اسلامی است... در چنین کشوری اگر حکومتی مردمی است، پس اسلامی هم هست.» (سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸ به نقل از حسینی خامنه‌ای، ص ۴۶) «[در چنین] نظام اسلامی، یعنی مردم‌سالاری دینی، مردم انتخاب می‌کنند، تصمیم می‌گیرند و سرنوشت اداره‌ی کشور را به‌وسیله منتخبان خودشان در اختیار دارند؛ اما این خواست و اراده‌ی مردم در سایه‌ی هدایت الهی [است] و هرگز به بیرون جاده‌ی صلاح و فلاح راه نمی‌برد و از صراط مستقیم خارج نمی‌شود.» (حیدری، ۱۳۸۲، ص ۱۵ به نقل از حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۳/۱۵)

۱-۲-۳. جایگاه و نقش مردم در مشروعیت حکومت مردم‌سالاری دینی

در بینش عنوان شده، منبع و سرچشمه‌ی مشروعیت، حکومت الهی بوده و از ولایت تشریحی خداوند سرچشمه می‌گیرد، زیرا اساساً هیچ‌گونه ولایتی جز با انتساب به اذن الهی مشروعیت نمی‌یابد. «براساس اعتقاد توحیدی، خداوند رب و صاحب اختیار هستی و انسان‌هاست. چنین اعتقادی ایجاب می‌کند که تصرف در امور مخلوقات با اذن خداوند صورت گیرد و از آنجا که حکومت و تنظیم قوانین، مستلزم تصرف در امور انسان‌هاست این امر تنها از سوی کسی رواست که دارای این حق و اختیار باشد یا از طرف او مأذون و منصوب باشد وقتی خداوند که منشأ حقوق است حق حکومت و ولایت بر مردم را به پیامبر (ص)، امامان معصوم (ع) و یا جانشین معصوم واگذار نموده است او حق دارد احکام الهی را در جامعه پیاده کند، چون از ناحیه‌ی کسی نصب شده است که همه‌ی هستی و حقوق و خوبی‌ها از اوست» (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ص ۴۰).

در مقابل در نظام‌های مبتنی بر نظر اکثریت، مشروعیت نظام سیاسی برخواسته از خواست و اراده‌ی مردم است و لازمه‌ی آن این است که اگر مردم حکومتی را نخواستند آن حکومت نامشروع باشد، هر چند در پی مصالح مردم باشد و اگر مردم خواستار حکومتی بودند آن حکومت مشروع می‌گردد، هر چند خلاف مصالح مردم حرکت کند و ارزش‌های اخلاقی را رعایت نکند (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۳-۱۰۴). در پارادایم فقه‌آلودی شیعی، «شعار اسلام با شعار حکومت‌های بشری و به‌ویژه غربی متفاوت است. شعار دین و حکومت اسلامی پیروی از حق است و شعار حکومت‌های بشری و دموکراسی غربی پیروی از اکثریت است. البته در نظام اسلامی در بعضی موارد و مراحل اکثریت معتبر است و جایگاه ویژه‌ای دارد که همان مقام تشخیص حق است نه تثبیت حق. یعنی حق را وحی الهی تبیین و تثبیت می‌کند و در مقام اجرای حق رأی اکثریت سازگار است و گاهی در مواردی که تشخیص حق دشوار باشد و صاحب‌نظران با

یکدیگر اختلاف نظر داشته باشند، رأی اکثریت معیار است. تفاوت اساسی اکثریت در نظام دموکراسی غربی با اکثریت در نظام اسلامی در این است که در حکومت اسلامی، حق و قانون پیش از اکثریت و مقدم بر آن است، و اکثریت کاشف حق است نه مولد آن. ولی در نظام دموکراسی و غیردینی اکثریت پیش از حق و قانون و به وجود آورنده‌ی آن است» (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۹۰-۹۱).

۲-۳. جایگاه و نقش مردم در مقبولیت حکومت مردم‌سالاری دینی

یکی از عناصر مهم توسعه‌ی سیاسی، مشارکت سیاسی مردم است. مشارکت سیاسی درگیرشدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی، از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی است. همچنین این مفهوم به معنای تلاش شهروندان برای انتخاب رهبران خویش، شرکت مؤثر در فعالیت‌ها و امور اجتماعی و سیاسی و تأثیر گذاشتن بر سیاست دولت است. (آقابخشی، افشاری راد، ۱۳۸۳، ص ۲۵)

در حکومت مردم‌سالاری دینی به‌طور کلی دو نقش و کارکرد برای مردم می‌توان برشمرد:

۱. مشارکت در ایجاد حکومت دینی و زمینه‌سازی جهت انتقال قدرت به ولی منصوب از سوی خداوند (ایجاد مقبولیت)

۲. مشارکت در جهت کارآمدسازی، حفظ و حمایت و پایایی حکومت دینی (شاکرین، ۱۳۸۲، ص ۱۰۶)

از دیدگاه اندیشمندان شیعی، مردم اولاً با پذیرش دین و دوماً پذیرش ولایت حاکم اسلامی، دین خدا را در جامعه متحقق می‌سازند. «اگر مردم در صحنه نباشند و حضور جدی نداشته باشند حتی اگر رهبر آنان در حد وجود مبارک حضرت امیرالمؤمنین(ع) باشد، نظام اسلامی موفق نخواهد بود. بنابراین حکومت اسلامی هیچ‌گاه بدون خواست و اراده‌ی مردم محقق نمی‌شود.» (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۸۳) ایشان که پس از پیامبر اسلام (ص) زمامدار حکومت اسلامی گردیدند، می‌فرمایند: «پیامبر (ص) به من فرمود: ای پسر ابوطالب! ولایت امت من برعهده‌ی تو است. پس اگر به سلامت قدرت را به تو سپردند و در مورد زمامداری تو با خشنودی اتفاق کردند سرپرستی امورشان را برعهده گیر؛ ولی اگر در مورد تو رأی دیگری ابراز داشتند، آنان را به حال خود رها کن» (سید بن طاووس، ۱۳۸۵، ص ۱۸۰). این روایت اخیر نشان می‌دهد اولاً امیرمؤمنان (ع) از سوی پیامبر (ص) به ولایت منصوب شده است؛ بنابراین اصل ولایت وابسته به رأی مردم نیست. دوماً اعمال ولایت آن حضرت، به مقبولیت و پذیرش مردمی مشروط است. ایشان همچنین در عبارتی مشهور در تاریخ می‌فرماید: «اگر حضور بیعت‌کنندگان نبود و با وجود یاوران حجت بر من تمام نمی‌شد... رشته کار را از دست می‌گذاشتم» (سیدرضی، ۱۳۷۹، ص ۳۱). نیز می‌فرماید: «کسی که فرمانش پیروی نمی‌شود، رأیی ندارد» (سیدرضی، ۱۳۷۹، ص ۷۰). بنابراین در نظام اسلامی شیعی وقتی کسی از سوی خداوند به ولایت منصوب می‌شود، رأی و نظر مردم تنها باعث فعلیت عینی حکومت وی می‌شود.

اما همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، نخستین حکومت مبتنی بر ایده‌ی مردم‌سالاری دینی، نظام جمهوری اسلامی ایران است که به رهبری آیت‌الله خمینی (ره) پایه‌گذاری شد. بنیان‌گذار جمهوری اسلامی نیز در این باره می‌فرماید: «اگر برای فقها امکان اجتماع و تشکیل حکومت نباشد، هر چند نسبت

به عدم تأسیس حکومت اسلامی معذورند؛ ولی منصب ولایت آنان ساقط نمی‌شود. با اینکه حکومت ندارند، بر امور مسلمین و بلکه بر نفوس مسلمین ولایت دارند» (موسوی خمینی، ۱۳۶۹، ص ۴۶۶) همان‌طور که ملاحظه می‌شود، عیناً بازتاب آرای پیشوایان دینی است. از آنجا که ایشان تشکیل نظام سیاسی را منوط به حمایت مردم می‌دانند؛ لذا توجه مسئولین مملکتی را به این نقش جلب می‌کنند: «توجه دارند آقایان که تا ملت در کار نباشد، نه از دولت و نه از استانداران کاری برمی‌آید... از این جهت همه‌مان و شما آقایان همه و آن‌هایی که در اختیار شما هستند، همه باید کوشش بکنید که رضایت مردم را جلب کنید در همه‌ی امور...» (موسوی خمینی b، ۱۳۷۸، ص ص ۳۷۸-۳۷۹)

تا اینجا هرآنچه گفته شد همگی بیانگر نقش مردم در پیدایش و تثبیت حکومت الهی - خواه حکومت رسول‌الله (ص) و امامان معصوم (ع) و خواه حکومت فقیه در زمان غیبت- بود. اما در مورد وجه دوم مشارکت سیاسی مردم و نقش آنان در نظام اسلامی شیعی که ناظر بر وجه «کارآمدی» حکومت است، با بررسی مختصر منابع اسلامی می‌توان دریافت که «اصولاً در اسلام مشارکت مردم در امور از جمله وظایف تمام مسلمانان دانسته می‌شود. در آیات قرآن موارد متعددی در مورد کرامت نوع انسان، خلیفه الله بودن، امانت‌دار خداوند بودن، اختیار و مسئولیت‌پذیری انسان و .. آمده که همه حاکی از خوشبینی و اعتماد الهی به انسان است. به همین دلایل از انسان خواسته شده که خود در تعیین سرنوشت و مقدرات سیاسی خود شرکت کند.» (کمالی اردکانی، ۱۳۸۳، ص ۷۶) در منابع دینی به‌خصوص آنجا که سخن از حقوق متقابل مردم و حاکمان به میان آمده نیز، سخن در این باره بسیار رفته است. حضرت علی (ع) در خطبه‌ی ۵۳ نهج‌البلاغه درباره‌ی مردم چنین می‌گوید: «استوانه‌های استحکام بخش دین، مرکز ثقل اجتماعات اسلامی و نیروهای عظیم مجاهدان پیکارگر علیه دشمن، در مرزبانی از نوامیس الهی و انسانی، عامه‌ی مردم هستند. بنابراین باید به اینان گرایش داشته و هوادار و طرفدار اینان باشی» و در پی این نگاه محوری به نقش مردم، وظایف آن‌ها را به آن‌ها یادآوری می‌کند: «اما حقی که من بر شما دارم این است که در پیمان بیعت، وفادار باشید و در حضور و غیبت من خیرخواه من باشید و هنگامی که شما را بخوانم به دعوت من پاسخ گوید و زمانی که فرمان دهم، فرمان برید» (سیدرضی، ۱۳۷۹، ص ۸۵) و نیز «و بر شما واجب آید که طاعت من کنید، و چون شما را فراخوانم درنگ نکنید، و در اجرای صلاح کوتاهی نورزید، و در راه حق در امواج دشواری‌ها فروروید.» (سیدرضی، ۱۳۷۹، ص ۵۴۰) و نیز «از اظهار صریح سخن حق، یا مشورت به عدل، خودداری نکنید.» (سیدرضی، ۱۳۷۹، ص ۷۵۵)

حضرت علی (ع)، ادای وظایف حکومت و مردم در قبال یکدیگر را متضمن کارآمدی حکومت می‌داند آنجا که می‌فرماید: «از مهم‌ترین حقوقی که خداوند فرض کرده است، حق حاکم بر مردم، و حق مردم بر حاکم است. این حق را خداوند برای هر یک نسبت به دیگری واجب کرده، و آن را مایه نظام الفت و عزت دینشان قرار داده است. چه توده‌ی مردم جز با صلاح زمامداران، راه صلاح در پیش نگیرد، و زمامداران جز با درستی و پایداری مردم، اصلاح نپذیرند. اگر ملت حق حاکم را ادا نماید و حاکم نیز چنین کند، حق در بینشان عزت یابد، قواعد دین قوام گیرد، رایب عدل برافراشته شود، سنت‌ها بر مجاری خود روان گردند، و در نتیجه روزگار اصلاح شود، و امیدها به بقای دولت فزونی یابد، و دل دشمنان را نومیدی فرا گیرد. لیکن

اگر توده‌ی مردم به نافرمانی بر حاکم گستاخ شوند، یا حاکم بیدادگری و ستم پیشه کند، اهداف و مقاصد چندگونه شود. نشانه‌های ستم سر برافرازد. دین روی به تباهی گذارد. سنت‌های راستین رها شوند. هوس‌ها کارفرمایی کنند و احکام خداوندی تعطیل گردند. بیماری دل‌ها را فروگیرد چنانکه بزرگی حقی که به تعطیل افتاده، و خطر باطلی که رواج گرفته دلی را نلرزاند. در آن روز نیکان به خواری درافتند و تباهکاران به عزت و جاه رسند، و بازخواست‌های الهی از بندگان بسیار شود.» (سیدرضی، ۱۳۷۹، ص ۷۵۵)

همچنین آیت‌الله خمینی (ره)، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، به پیروی از مکتب تشیع، «آگاهی مردم و مشارکت و نظارت و هم‌گامی آن‌ها با حکومت منتخب خودشان» را «بزرگ‌ترین ضمانت حفظ امنیت در جامعه» می‌داند. (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ص ۲۴۸) وی اصلاح امور حکومت مردم‌سالار دینی را جز «با مشارکت کامل همه‌ی مردم» ناممکن می‌داند. (موسوی خمینی a، ۱۳۷۸، ص ۱۵۵)

از رهگذر حقوقی که به همه‌ی آحاد مردم در حکومت دینی داده می‌شود، آیت‌الله خمینی (ره) نیز چون حضرت علی (ع)، مردم را نیز دارای تکالیفی برای کارآمدنمودن حکومت می‌داند: «من از شما خواستارم که به دولت کمک کنید و فقط این نباشد که منتظر باشید دولت همه‌ی کارها را بکند، دولت نمی‌تواند همه‌ی کارها را انجام بدهد، شماها باید پشتیبانی کنید» (موسوی خمینی c، ۱۳۷۸، ص ۵۳۹)

بنابراین به‌طور کلی، در نگاه صاحبان اندیشه مردم‌سالاری دینی، مردم نقش مهمی جهت ایجاد کارآمدی در حکومت اسلامی شیعی دارند. اما این نقش از دو منظر قابل بررسی است. مشارکت مردم هم حقی برای آنان است و هم تکلیف و مسئولیت برای آن‌ها، که در صورتی که هرکدام از این دو کارکرد با خلل مواجه شود، به کارآمدی نظام اسلامی شیعی لطمه می‌خورد.

۳-۳. مروری بر رابطه‌ی دولت و ملت در فرهنگ سیاسی ایرانیان

در دوردست‌های تاریخ، باور فلسفی مردم بر پیش‌فرض تبه‌کار دانستن مردم استوار بوده است. اعتقاد بر این بوده است که مردم به سبب سرشت و خوی آزمندشان به فساد و شر و تجاوز به یکدیگر گرایش دارند؛ لذا برای اینکه مردم از شر یکدیگر در امان باشند لازم است بر آنان کنترل اعمال شود. برخورد با ملت در این دیدگاه، نه فقط بر مبنای برخوردی «شبان-رمگی» است، بلکه مردم حتی یک رمه گوسفند بی‌آزار هم نیستند و یک گله گرگ‌اند که اگر کسی مواظبشان نباشد، یکدیگر را تکه‌پاره می‌کنند (سیف، ۱۳۹۰). در این رابطه «سلطان-رعیتی»، «شاه- نظرا- اقتدار مطلق دارد، بی‌آنکه هیچ مسئولیت مشخص و نهادینه شده‌ای در برابر مردم داشته باشد.» (قاضی مرادی a، ۱۳۸۷، ص ۲۷) «هرچه تاریخ و فرهنگ ایران زوال بیشتری می‌یابد، بالفطره تباهکار دانستن مردم [نیز]... تشدید می‌شود.» (قاضی مرادی a، ۱۳۸۷، ص ۳۰). این هنجار فرهنگ سیاسی که مستقیماً مردم را به وابستگی به حکومت وامیداشت (قاضی مرادی b، ۱۳۸۷) باعث می‌شد حاکمیت به شدت مردم را کنترل کند تا بتواند امنیت را برای آنان به ارمغان آورد. بدیهی است که نظر مردم اهمیت چندانی در نظر حاکمان نداشته و رسیدن به قدرت نیز یا با زور و برتری نظامی بوده است، یا با تبانی خبرگان و سران هرم قدرت در جامعه. بنابراین معادله‌ی

مشروعیت، مقبولیت و کارآمدی حکومت، تابعی از نقش و نظر مردم نبوده است. این تفکر حتی در آثار اندیشمندان آن دوره نیز مشهود است. به‌عنوان مثال «ابن طقطقی» در کتاب خود با عنوان تاریخ الفخری می‌نویسد: «پادشاه نیرومند ستمکار، از حرص و آز رعیت جلوگیری می‌کند. در این صورت رعیتش به منزله‌ی کسی است که از شر گروهی در امان، ولی به شر یک نفر گرفتار است... و اما پادشاه میانه‌رو و ضعیف، رعیت خود را به حال خود می‌گذارد... و در حقیقت به منزله‌ی کسی است که از شر یک نفر در امان، ولی به شر گروهی گرفتار است.» (ابن طقطقی، ۱۳۶۰) بر همین اساس، سیر تحولات سیاسی در ایران تا پیش از دوره‌ی معاصر به‌صورت چرخه‌ی «حکومت استبدادی- هرج و مرج- حکومت استبدادی» بوده است. یعنی با برآمدن هر حکومت متمرکزی، عمدتاً به علل جدایی از مردم، حاکمیت بی‌قانونی، اعمال خودکامانه‌ی قدرت، غارت مردم، فساد و ... در پی اوج‌گیری اولیه به‌سرعت رو به انحطاط می‌نهاد و با زوال حکومت، هرج و مرج در جامعه گسترش یافته و با ایجاد خلأ قدرت، این هرج و مرج در شرایط جامعه‌ی سنتی ایران فقط با استقرار حکومت متمرکز استبدادی دیگر رفع شدنی بود (قاضی مرادی، ۱۳۸۷، ص ۳۰). اما حشمت‌زاده نقش‌آفرینی مردم، آغاز جنبش اجتماعی و خودنمایی ملت در برابر دولت را نخستین بار و به‌طور آشکار و مؤثر در جنگ‌های ایران و روس و حوادث پس از آن می‌داند. «شورش مردم به رهبری علما علیه اقدامات فرستاده‌ی مخصوص تزار پس از شکست ایران و عقد قراردادهای کذایی و در نهایت قتل گریبایدوف، نقطه‌ی آغازی برای حضور مردم در صحنه‌ی سیاسی و تقدم جستن بر منافع و مصالح دولت و خانواده‌ی سلطنتی تلقی کرد. جنبش تنباکو، جنبش مشروطیت، نهضت ملی نفت، قیام پانزدهم خرداد و سرانجام انقلاب اسلامی، فرازهای دیگری در تاریخ معاصر هستند که ملت تأثیر زیادی در آن داشت و حاکمیت و دولت نیز عکس‌العمل‌های متفاوتی در برابر این ابراز وجود ملی از خود نشان داده‌اند.» (حشمت‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۱۲۹)

اما قلی‌پور جنبش رنساس را سبب ظهور تفکر جدید در ایران در دوران صفویه دانسته که «ضرورت بازنگری در ساختار دولت و حکومت و شیوه‌ی اعمال مدیریت در بخش عمومی را ایجاد کرد.» این، به زعم وی، نقطه‌ی آغازی شد تا در سال‌های بعد و به‌ویژه در اواخر حکومت قاجاریه در قالب نهضت مشروطه‌خواهی به‌صورت جدی این بازنگری دنبال شود. تجربه‌ی اول این بازنگری با فاصله‌گرفتن از نهاد دین و تشویق نظام سکولار بود، با این فرض که نهاد مذهب در سیاست موفق نخواهد شد. اما این روند دیری نپایید و در سال‌های میانی قرن چهاردهم هجری شمسی، با اوج‌گیری نهضت‌های مردمی و با حضور فعال و رهبری نهضت‌های مردمی توسط نهادهای دینی، ارتباط بین دین و دولت به‌شکل نوینی برقرار شد که همان تجربه‌ی نظام مردم‌سالار دینی است (قلی‌پور، ۱۳۸۷). دوران پس از انقلاب نیز مراحل و مقاطعی از چگونگی تعامل دولت و ملت بود که بعداً به آن به اختصار پرداخته خواهد شد.

بر اثر این پیشینه‌ی تاریخی ایران که دوره‌ای طولانی از حکومت فرمان‌روایان مستبد و بی‌فرهنگ را بر ایرانیان تحمیل کرده است، و به‌خصوص از تسلط امویان بر ایران به بعد، مردم ایران در کمتر دوره‌ای تنفس در فضای آزادی و فرهنگ را در سایه‌ی یک حاکم لایق و پرهیزگار تجربه کرده‌اند. «جنبش‌های تاریخی ایران زمین در پیکار با دستگاه خلافت پدیدار شدند و جریان‌های تاریخ اندیشه در دوره‌ی اسلامی

نیز در تداوم اندیشه‌ی ایران‌شهری و در پیکار با اندیشه‌ای تدوین شد که مفهوم و توجیه مشروعیت خلافت در کانون آن قرار داشت.» (طباطبایی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۷) این تجربه‌ی تاریخی و به‌خصوص مصادف شدن اواخر این تجربه با حکومت قاجار و پهلوی که اوج فساد و بی‌لیاقتی و استبداد را در شرایطی به نمایش گذاشته بود که درک عمومی مردم در سطح جهانی افزایش قابل توجهی نسبت به قبل پیدا کرده بود، موجب شده است تا از نقطه‌نظر جامعه‌شناسی، مردم نوعی بدبینی تاریخی نسبت به حکومت در ذهن خود داشته باشند و عامل تمام کاستی‌ها و مشکلات را در درجه‌ی اول از جانب حکومت ببینند؛ لذا از این نقطه‌نظر نیز همیشه و به‌خصوص پس از قاجار، مردم خود را در برابر حکومت دیده‌اند و از آنجا که حقوق خود را برآورده نشده می‌دیدند؛ لذا مسئولیتی نیز در برابر حکومت احساس نمی‌کرده‌اند.

«در اوایل انقلاب، بسیاری از مسئولین و مقامات از بین معلمین، روحانیون، بازاریان، کارگران و توده‌های مردم سر برآوردند و بدین ترتیب احساس وجود پیوندهای اساسی بین دولت و ملت همه‌جا ساطع بود ... در عین حال احساس آزادی و حریت و امکان نشر انواع مکتوبات موافق و مخالف، میتینگ‌ها و تظاهرات همه‌ی گروه‌ها، پیدایش ده‌ها تشکل سیاسی و مردمی نیز همه‌جا موج می‌زد. حمله‌ی عراق در آخر شهریور ۱۳۵۹، به‌رغم همه‌ی تهدیداتش، فرصتی برای تمرکز و ساماندهی قدرت انقلابی شد و دولت و ملت را در مقابل محرک بزرگی همچون تهاجم صدام به هم نزدیک‌تر کرد» (حشمت‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۴۴۴).

بعد از وقوع جنگ تحمیلی و کمتر از یک سال از خاتمه‌ی آن، تحولات زیادی در حکومت و دولت پدید آمد؛ بنیان‌گذار جمهوری اسلامی از دنیا رفت و رهبری جدید جای او را گرفت؛ مطابق اصلاحات قانون اساسی پست نخست‌وزیری حذف گشت و اختیارات ریاست‌جمهوری افزایش یافت و سهم جناح‌های چپ و راست در مناصب حکومتی جابه‌جا شد. هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور وقت، توجه خود را به بازسازی خرابی‌های جنگ و توسعه‌ی اقتصادی معطوف کرد که از این دوران به‌عنوان «سازندگی» یاد می‌شود. بعضی‌ها بر این عقیده‌اند که در این دوران به مطالبات مدنی و سیاسی مردم کم‌توجهی شد و دغدغه‌ها بیشتر به نیازها و مسائل اقتصادی معطوف گردید (حشمت‌زاده، ۱۳۸۵). نسبت به عملکرد اقتصادی این دوره حرف و حدیث‌های زیادی مطرح شده، و قضاوت‌ها مختلف و متضاد است. هرچه بود در دومین دوره‌ی نامزدی آقای هاشمی برای ریاست‌جمهوری فقط ۵۰ درصد مشارکت کردند که این رقم تاکنون کمترین میزان مشارکت در یازده دوره انتخابات ریاست‌جمهوری است و ایشان نیز حدود ۶۰ درصد کل آرای مأخوذه را کسب کرد که این نیز به نسبت دوره‌های قبل افت کرده بود. این افت را می‌توان این‌طور توجیه کرد که توده‌های مردم، ضمن آنکه نسبت به عملکرد اقتصادی و میزان برخورد ایشان ابهام و تردید داشتند، بعضاً نسبت به مطالبات ارزشی و سیاسی نیز سرخوردگی‌هایی احساس می‌کردند؛ لذا می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که گسل تاریخی دولت و ملت، که با انقلاب و جنگ تا حدود زیادی از بین رفته بود، مجدداً در حال فعال شدن بود. بنابراین کاهش انواع مشارکت‌ها و افزایش انواع اخبار و شایعه‌ها درباره‌ی قصور و تقصیر مسئولان، و وقوع تنش‌هایی مثل آشوب‌های شهری، اجتماعی و صنفی را می‌توان شاخص‌هایی برای نشان دادن آسیب‌پذیری رابطه‌ی دو قطب دولت و ملت تلقی نمود.

از درون چنین متنی انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ سر برآورد؛ مشارکت سی میلیونی به معنای ۸۰ درصد حضور واجدان حق رأی در پای صندوق‌ها بود. جهش سی درصد مشارکت تحلیل‌های متفاوتی را در پی داشت. برداشت‌های منفی و عموماً خارجی چنین بود که این انتخابات نوعی اعتراض مدنی به وضع موجود و نظام است. در مقابل عده‌ای بر این باور بودند که این حرکت، یعنی افزایش مشروعیت نظام، اما طی دو دوره ریاست‌جمهوری آقای خاتمی که با عنوان دوره‌ی جامعه‌ی مدنی و اصلاحات خوانده شد، هیجانات و تحرکات زیادی به‌صورت رشد و بسط انتشارات و مطبوعات، میتینگ‌ها و سخنرانی‌ها و بعضاً درگیری‌ها در جامعه ظاهر شد که مخالفان و موافقان ارزیابی‌های خاص خودشان را داشتند. مخالفان، این اوضاع را دال بر هرج و مرج و نگرش متفاوت به ارزش‌ها و غفلت از معاش و معاد مردم می‌دانستند و موافقان نوید توسعه‌ی سیاسی، بسط آزادی‌ها، حقوق شهروندی و تنوع و تکثر می‌دادند. «پس هشت سال دوران اصلاحات چالشی بود که از یک سو رابطه‌ی دولت و ملت را حساس‌تر و فعال‌تر کرد و گسل‌های بالفعل و بالقوه آن‌ها را بیشتر در خور توجه و تأمل نمود و از سوی دیگر در درون دولت و ملت نیز هیجانات و شکاف‌هایی را آزمون‌پذیر ساخت. در این چالش می‌توان فرصت‌ها و تهدیدهایی را ملاحظه کرد و دست‌مایه‌ی سازماندهی بهینه‌ی آینده نمود. این اوضاع تهدید بود؛ چراکه میزانی از انرژی نظام را مصرف و هزینه کرد و از تخصیص آن به نیازها و اهداف کشور ممانعت نمود. اما این هیجانات فرصتی بود که اهل تحقیق بتوانند بسیاری از نقاط قوت و ضعف، آسیب‌ها و قابلیت‌ها را شناسایی کنند تا به منظور کنترل و بهره‌برداری از آن‌ها بتوان برنامه‌ی عمل و اقدامی صحیح به‌دست داد. درعین حال تعامل‌ها و هم‌عرضی‌های این ایام بسیاری از قشرها و لایه‌های اجتماعی را به حرکت درآورد و انرژی‌های زیادی را تولید نمود. گرچه مقدار زیادی از انرژی‌های آزادشده تقابل می‌نمودند و یکدیگر را خنثی می‌کردند، اما به هر حال فعال‌شدن انرژی‌های اجتماعی و انسانی یعنی زنده بودن یک ملت» (حشمت‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۴۴۴).

بعد از دولت اصلاحات، دولت نهم و دهم با شعار عدالت و مهرورزی سر کار آمد. از آنجا که بسیاری از مسئولین دولتی در سال‌های پس از جنگ رو به اشرافی‌گری رفته بودند، و از طرفی به بهانه یا دلیل ترس از ترور، ارتباط خود با مردم را کم کرده بودند، مردم در سال ۱۳۸۴ به‌زعم خودشان به «مردی از جنس مردم»^۱ رأی دادند تا نشان دهند که فاصله‌ی بین دولت و ملت را زیاد می‌بینند و خواستار کاهش آن هستند. رییس‌جمهور نهم نیز با حضور مستمر و مداوم بین مردم و در کوچک‌ترین روستاها در اقصی نقاط کشور در غالب سفرهای استانی، نوع جدیدی از ارتباط مردم و دولت را رقم زد که بی‌شک موجب نزدیکی رابطه‌ی میان آن دو شد. برخلاف ادعاهای مخالفین، آزادی‌های ایجاد شده در دوره‌ی اصلاحات در این دوره نیز ادامه یافت که حجم انتقادات به دولت و حجم مطبوعات مخالف دولت خود شاهدهی بر این مدعاست. این روند به نحو مثبتی تا سال ۱۳۸۸ ادامه داشت و نشانه‌ی نزدیک‌ترشدن رابطه‌ی دولت و ملت را نیز می‌توان در میزان مشارکت بسیار بالای ۸۶ درصدی در انتخابات ریاست‌جمهوری دهم جستجو کرد. تا اینکه ادعای تقلب از سوی یکی از کاندیداهای انتخابات، علاوه بر اینکه مستقیماً باعث

۱. عبارت تبلیغاتی که در انتخابات ۱۳۸۴ برای معرفی محمود احمدی‌نژاد استفاده می‌شد.

ایجاد شکاف عمیق میان حامیان اصیل خود با حکومت شد، به‌طور غیرمستقیم موجب امنیتی شدن فضا و بازگشتن دوباره‌ی همان تعامل «شبان-مگی» از سوی حاکمیت و به‌خصوص نهادهای امنیتی، و نگاه بدبینانه به حکومت از سوی بخش قابل توجهی از مردم شد. اگرچه که با وقوع انتخابات ۱۳۹۲ و حضور ۷۲/۸ درصدی مردم در انتخابات و در نهایت پیروزی حسن روحانی که نماینده‌ی طیفی از سیاست‌مدارانی بود که برخی از آن‌ها مدعی تقلب در انتخابات ۱۳۸۸ بودند، این شکاف تا حد زیادی رو به پرشدن گذاشته است.

«اکنون با پشت سر گذاشتن قریب دو قرن از چرخه‌ی تعامل و تقابل دولت و ملت می‌توان چنین فرض کرد که این دو قطب عظیم، به درجه‌ای از انباشت تجربه رسیده‌اند که می‌توان نظامی را انتظار داشت که در آن دولت و ملت در جایگاهی که رواست قرار گیرند؛ یعنی دولت حقوق مردم را به رسمیت شمرده، به وظایف خود عمل کند و مردم نیز ضمن آشنایی با حقوق خود، تکالیف و وظایف خود را بشناسند و مسئولانه در جهت انجام آن‌ها کوشا باشند. در این صورت می‌توان منتظر جهش مدنی و تمدنی، در فاصله‌ای نزدیک نشست. «باید توجه کرد دولت، ملت و نهادهای واسطی مثل احزاب و مطبوعات، در عصر جهانی‌شدن در تعامل هستند و فشارهای جانبی محیط منطقه‌ای و بین‌المللی شرایط بازی و اقدام را پیچیده کرده است و احتمال بسط و آشکارشدن گسل‌های اجتماعی می‌تواند در حد بالایی مورد بهره‌برداری بازیگران خارجی قرار گیرد. بنابراین کسانی که قدم به بازی دولت و نهادهای واسطی می‌گذارند، باید دارای بصیرتی به‌غایت وسیع و ژرف درباره‌ی تاریخ، جامعه‌شناسی و جهان‌شناسی باشند تا بتوانند جامعه‌ی مطلوب اسلامی را ولو به‌طور نسبی محقق گردانند» [همان].

۴. روش تحقیق

لازم است در انجام هر پژوهشی از عناصر روش‌شناختی متناسب با نوع و ماهیت تحقیق استفاده نمود تا تئوری حاصل را با کمترین خطا بیازماید. در ادامه با نگاهی اجمالی به این عناصر پرداخته شده است.

۱. مبانی فلسفی پژوهش (پارادایم‌ها): برخی از صاحب‌نظران در ارتباط با یک پژوهش سه پارادایم مجزای فلسفی اثبات‌گرایی، تفسیری و انتقادی را عنوان می‌کنند. از آنجا که این پژوهش به‌دنبال شناسایی ذهنیت افراد است، در زمره‌ی پارادایم‌های تفسیری قرار می‌گیرد و چون سنجش متغیرهای آن با معیارهای کمی انجام می‌شود، می‌تواند پارادایمی اثبات‌گرایانه باشد.

۲. شیوه‌ی انجام پژوهش: اصل اساسی در روش تحقیق، رعایت ترتیب فرایند کلی و خرده فرایندهای هر مرحله از پژوهش است. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۲، ص ۴۸) نحوه‌ی انجام پژوهش را می‌توان به کیفی، کمی یا ترکیبی از هر دو تقسیم‌بندی کرد. این پژوهش از روش ترکیبی استفاده خواهد کرد تا بتواند ذهنیت‌ها را شناسایی و الگوهای آن را کشف کند.

۳. نوع پژوهش از حیث مکانی: پژوهش‌ها از نظر مکانی به سه دسته‌ی میدانی، کتابخانه‌ای و آزمایشگاهی تقسیم شده‌اند. این پژوهش در دسته‌ی پژوهش‌های میدانی و کتابخانه‌ای قرار دارد.

۴. شیوه‌های گردآوری داده‌ها: این پژوهش به ابزارها و شیوه‌های مختلفی همچون مصاحبه، پرسش‌نامه، اسناد و مدارک، داده‌های مکتوب شامل گزارش‌ها، پیام‌ها و سایت‌های اینترنتی، یادداشت‌ها، روزنامه‌ها و... برای گردآوری داده‌هایش نیاز دارد.

۵. جامعه و نمونه‌ی آماری: جامعه‌ی آماری این پژوهش شهروندان ایرانی هستند، لیکن در آن از روش‌شناسی کیو^۱ برای کشف ذهنیت‌ها استفاده شده و چون تعمیم نتایج را مدنظر ندارد، گوناگونی افراد نمونه از حجم و تصادفی بودن آن‌ها مهم‌تر است.

۶. ابزار تحلیل داده‌ها: در این پژوهش برای تحلیل داده‌ها از تحلیل عاملی استفاده شده است (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۷؛ دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۸)

۴-۱. روش‌شناسی کیو و مراحل انجام آن

روش‌شناسی کیو ابزاری توانا برای درک ارزش‌ها، نگرانی‌ها و دیدگاه‌های فرد است که پایه‌ی آن تحلیل آماری است تا ذهنیت افراد را کشف کند و الگوها و اشتراک نظرها را آشکار سازد و بر پایه‌ی این الگوها افرادی که دارای رفتار مشترک هستند را شناسایی نموده و ساختاری برای ذهنیت کشف نشده آن‌ها ارائه نماید. تفاوت اصلی روش کیو با سایر روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی در این است که در این روش به‌جای متغیرها، افراد تحلیل می‌شوند (برون، ۱۹۹۶). این روش را پیوند روش‌های پژوهش کیفی و کمی می‌دانند (حسینی و بهجتی و رحمانی، ۱۳۹۰، ص ۷۳).

دسته‌بندی فرآیند مطالعه‌ی کیو به شکل‌های مختلف صورت می‌پذیرد. در پژوهش جاری از فرآیندی ۵ مرحله‌ای به شرح زیر استفاده شده است که در ادامه، این مراحل تعریف شده و انجام آن‌ها در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف) تولید مجموعه عبارات کیو: برای شروع بایستی مجموعه‌ای از اعتقادات و دیدگاه‌های گوناگونی که درباره‌ی موضوع پژوهش در جامعه‌ی مورد مطالعه وجود دارد گردآوری نمود. این مجموعه «فضای گفتمان^۲» نامیده شده و از منابع گوناگون مانند مصاحبه، تحلیل محتوا یا تحقیقات قبلی، مراجعه به روزنامه‌ها یا اخبار رسانه‌های گوناگون و حتی عکس، فیلم و قطعات موسیقی که در خصوص موضوع پژوهش وجود داشته باشد، قابل دستیابی است (خوشگویان فرد، ۱۳۸۶). نتیجه‌ی فضای گفتمان گزاره‌های گوناگونی است (تن کلستر و دیگران، ۲۰۰۸). هیچ ملاکی که با قطعیت تعداد گزاره‌ها در «نمونه کیو^۳» را مشخص کند وجود ندارد (دونر، ۲۰۰۱)، اما نمونه‌ی کیو باید تمام جنبه‌های موضوع پژوهش را پوشش دهد (امین، ۲۰۰۰).

ب) انتخاب مجموعه‌ی مشارکت‌کنندگان: پژوهش‌های انجام‌شده بر اساس روش کیو، برای نمونه‌گیری از دنیای افکار و ذهنیت افراد و نه از جمعیت مردم طراحی شده‌اند. بنابراین نمونه‌های (آماری) کوچک و گلچین شده انتخاب خواهند شد (خوشگویان فرد، ۱۳۸۶) و لذا گوناگونی افراد مهم‌تر از تعداد آن‌ها است.

در مورد تعداد مشارکت‌کنندگان نیز هیچ ملاک مشخصی وجود ندارد. برآور^۱ تعدادی کمتر از تعداد نمونه‌های کیو را پیشنهاد می‌دهد (برودور، ۱۹۹۹) اما تن کلوستر و همکاران ۲۰ تا ۵۰ نفر را برای یک پژوهش دسته‌بندی کیو کافی می‌دانند (تن کلوستر و ویزر و دجونگ، ۲۰۰۸).

ج) گردآوری داده‌های مرتب شده کیو: در این مرحله مشارکت‌کنندگان مجموعه عبارات کیو را با روش توزیع اجباری مرتب می‌کنند (حسینی و بهجتی و رحمانی، ۱۳۹۰). هرچند مرتیک^۲ و همکاران بر این باور بودند که یک نمونه کیو معمولاً بین ۲۰ تا ۵۰ گزاره خواهد بود که بایستی در ۷ تا ۱۱ ستون رتبه‌بندی شوند (مرتیک و دیگران، ۱۹۹۴)، اما آدامز^۳ دامنه و شکل توزیع نمودار کیو را به دلخواه و بسته به تعداد نمونه‌های کیو در هر پژوهش می‌داند (آدامز، ۲۰۰۰).

د) تحلیل همبستگی و تحلیل عاملی: پس از مرتب‌سازی و دسته‌بندی گزاره‌های کیو توسط مشارکت‌کنندگان، اطلاعات به دست آمده گردآوری شده با استفاده از روش تحلیل عاملی مورد پردازش آماری قرار می‌گیرند. سپس با توجه به بارهای عاملی، افراد در گروه‌های مختلف دسته‌بندی می‌شوند.

ه) تفسیر عامل‌ها: دو روش برای این منظور پیشنهاد شده است. در روش اول به گزاره‌هایی که توسط مشارکت‌کنندگان تحت یک عامل امتیازهای بالا یا پایین گرفته‌اند، توجه شده و بر اساس آن به تفسیر عامل پرداخته می‌شود و به پژوهشگر کمک می‌کند تا ذهنیت افراد تحت این عامل را شناسایی کند. در روش دیگر استفاده از محاسبات کمی و نرم‌افزارهای رایانه‌ای برای کمک به پژوهشگر در کشف ذهنیت عامل‌ها است. در این روش بایستی امتیاز عاملی عبارت‌ها برای هر یک از عامل‌ها را محاسبه نمود (حسینی و بهجتی و رحمانی، ۱۳۹۰).

۵. توصیف و تحلیل داده‌ها

۵-۱. توصیف داده‌ها

توصیف مشارکت‌کنندگان: پژوهش حاضر از ۱۵ مشارکت‌کننده استفاده نموده است. سعی شده از میان دامنه‌ی وسیع «نمونه‌های در دسترس»، با «انتخاب هدفمند» افراد به گونه‌ای انتخاب شوند که از اغلب گرایش‌های فکری و طبقات اجتماعی و سطح تحصیلات گوناگون، یک نماینده در میان مشارکت‌کنندگان وجود داشته باشد. پراکندگی ۱۵ نفر مشارکت‌کننده به لحاظ جنس، سن، محل زندگی، حرفه، تحصیلات و گرایش سیاسی در جدول (۱) آمده است.

جدول-۱. توصیف مشارکت‌کنندگان

جنس	تعداد	سن	تعداد	محل زندگی	تعداد	حرفه	تعداد	تحصیلات	تعداد	گرایش سیاسی	تعداد
مرد	۱۰	۱۷ تا ۲۵	۲	تهران	۸	دولتی	۵	دیپلم و زیردیپلم	۴	اصول‌گرا	۷
زن	۵	۲۵ تا ۵۰	۶	مشهد	۵	آزاد	۲	کارشناسی و کارشناسی	۷	اصلاح‌طلب	۳

مجموعه عبارات کیو و چگونگی تهیه‌ی آن: با توجه به موضوع پژوهش که یکی از مباحث روز در بین عامه‌ی مردم بوده و هست، اظهارنظرهای زیادی از طریق گوناگون در بررسی جنبه‌های مختلف آن می‌توان یافت. این اظهارنظرها با توجه به عمومیت موضوع، هرکدام می‌تواند در حوزه‌ای خاص، یا به‌صورت کلی‌تر و عام‌تر مطرح شده باشد. در این پژوهش تلاش شده تا علاوه بر نظرات مکتوب، بیشتر از گفتگو با خبرگان و اقشار مختلف مردم در داخل جامعه استفاده شود. از میان نظرات بسیار زیادی که حاصل فضای گفتمان بود، برخی از نظرات تکراری حذف شده و ۳۹ گزاره‌ای که جامعیت بیشتری داشتند، انتخاب گردیدند. (جدول ۲). گزاره‌های به‌دست آمده شماره‌گذاری شده و روی کارت‌های جداگانه درج شدند تا به تعداد گزاره‌های نمونه‌ی کیو، کارت کیو وجود داشته باشد.

جدول-۲. گزاره‌های کیو

با گرایش مردم به معنویت‌های غیرسیاسی و شخصی (سکولار)، وضعیت کشور اصلاح خواهد شد.
با ارتقای فرهنگ عمومی و حرکت به‌سوی قانون‌مداری از سوی عموم جامعه، اوضاع کشور در زمینه‌های گوناگون بهبود می‌یابد.
در صورت بی‌تفاوت نبودن مردم نسبت به مسائل کشور و مشارکت فعال برای اصلاح، به تدریج اوضاع بهبود خواهد یافت.
با پیروی مردم از ولایت فقیه و حرکت در جهت منویات ولی فقیه زمان، کشور به‌سوی تعالی و پیشرفت خواهد رفت.
با بازگشت عمومی توأمان نسبت به معنویت‌گرایی شخصی و اجتماعی (اسلام سیاسی شامل امر به معروف و نهی از منکر) پیشرفت اتفاق خواهد افتاد.
اگر هر کس از خود شروع کند و امور اخلاقی را رعایت کند، وضع کشور اصلاح می‌شود.
در صورتی که مردم آگاهی و شناخت خود را جهت انتخاب نمایندگان لایق ارتقا دهند، به تدریج کشور به‌سوی پیشرفت حرکت می‌کند.

ادامه‌ی جدول - ۲.

با قبول اشتباهات و اعتراف و سعی در جبران آن، کشور رنگ سعادت و پیشرفت را خواهد دید.
با کنار گذاشتن تعصبات دینی و واپس‌گرایی، رشد و پیشرفت اتفاق خواهد افتاد.
با زدودن غبار تعصب از دین و روزآمد نمودن دستورات دینی، و عمل به آن، رشد و پیشرفت اتفاق خواهد افتاد.
در صورتی‌که اصحاب رسانه بر مدار اخلاق و وظیفه حرکت کنند و آزادانه به نشر حقایق بپردازند، جامعه روی سعادت را خواهد دید.
با کاهش قیمت دلار، جامعه به آرامش و پیشرفت در همه‌ی ابعاد دست خواهد یافت.
با بهبود وضعیت اقتصادی و کاهش تورم، مشکلات دیگر هم حل می‌شود.
با ایجاد یک سیستم اقتصاد سوسیالیستی و کوپنی، وضعیت اقتصاد کشور اصلاح شده و وضع در دیگر زمینه‌ها هم بهبود می‌یابد.
به‌وسیله‌ی ایجاد یک سیستم اقتصادی باز و لیبرال، وضعیت اقتصادی بهبود یافته و تعالی اتفاق می‌افتد.
با اجرای صحیح برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده توسط برنامه‌ریزان اقتصادی حاکمیت و مورد تأکید رهبر انقلاب، مثل اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ (خصوصی‌سازی)، کاهش وابستگی به نفت، توجه به تولیدات ملی و... وضع اصلاح خواهد شد.
با انتخاب رئیس‌جمهوری انقلابی و مکتبی می‌توان انحرافات موجود را اصلاح کرد.
با پیروی مسئولین از ولایت فقیه و حرکت در جهت منویات ولی فقیه زمان به‌سوی تعالی حرکت خواهیم کرد.
با آراستگی مدیران و کارگزاران کشور به اخلاق و پایبندی آنان به اصول اسلامی اغلب مشکلات حل خواهد شد.
با اجرای واقعی اسلام از سوی حکومت و برقراری شریعت اسلامی (مثل ربازدایی از بانک‌ها و...) به مدینه‌ی فاضله نزدیک می‌شویم.
با ارتقای آگاهی و فرهنگ مردم از طریق حاکمیت به‌وسیله ابزارهای حکومتی، رفته رفته به جامعه‌ای پیشرفته بدل خواهیم شد.
در صورتی‌که رسانه‌ها مستقل شده، به منافع مردم (و نه اشخاص و احزاب) بیاندیشند، روز به روز جامعه‌ی ایران مترقی‌تر خواهد گشت.
با توجه به برنامه‌ریزی و اعمال مدیریت علمی به‌تدریج اوضاع بهبود خواهد یافت.
با مدیریت یکپارچه و واحد و کاستن از تعدد قوا، و نیز طولانی نمودن مدت مدیریت‌های کلان کشور وضع کشور اصلاح خواهد شد.
با ایجاد توازن قوا و مبارزه با یکه‌تازی و استبداد موجود، وضعیت کشور بهبود خواهد یافت.

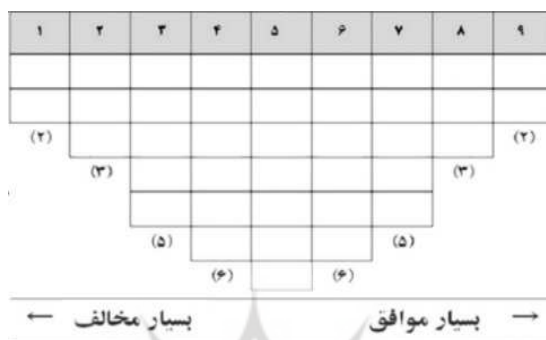
ادامه‌ی جدول - ۲.

با تن دادن به خواست جامعه‌ی بین‌الملل و کوتاه آمدن از برخی اصول، اصطکاک‌ها کاهش یافته و جامعه رو به ترقی خواهد رفت.
با ایجاد یک دیپلماسی فعال و مذاکره‌ی هوشمندانه با کشورهای تأثیرگذار، در عین پافشاری بر اصول، تنش‌ها کاهش یافته و مشکلات حل می‌شود.
با فراخوان عمومی از خبرگان و صاحب‌نظران و مشارکت دادن آن‌ها در امور تصمیم‌گیری، مشکلات مرتفع می‌شوند.
از طریق برقراری یک نظام سکولار و حذف اسلامیت از سیستم حکومتی کشور پیشرفت می‌کند.
با قاطعیت مجموعه‌ی حاکمیتی جهت برقراری نظم و قانون اوضاع روز به روز بهتر می‌شود.
با برخورد شدید حکومت و دستگاه قضا با مفسدان اقتصادی و اجتماعی و غیره رفته رفته وضع بهبود خواهد یافت.
با تغییر افراد صاحب قدرت و مقام در حال حاضر، بدون تغییر در اساس نظام و قانون اساسی معضلات حل می‌شود.
از طریق تغییر قانون اساسی و ایجاد آزادی‌های مدنی بیشتر، آرامش روانی و پیشرفت به کشور باز خواهد گشت.
وقتی احزاب، برخاسته از مردم و مستقل از حاکمیت یا گروه‌های ثروت و قدرت باشند، می‌توانند عامل موفقیت و پیشرفت کشور باشند.
اگر احزاب به حل مشکلات و تأمین نیازهای مردم (و نه گروه‌ها و اشخاص ذی‌نفوذ) رو آورند، جامعه پیشرفت خواهد کرد.
اگر احزاب، که همیشه حافظ منافع و وابسته به جریان‌های ثروت و قدرت بوده‌اند، به کلی حذف شوند، رفته رفته کشور آرمانی‌تر خواهد شد.
رسیدن به آرمان‌ها بسیار دور از نظر و بعید است.
با ظهور منجی عالم بشریت، وضعیت موجود بهبود خواهد یافت ولاغیر.
هنگامی که مسئولین با نگاهی فراچنانچی به اداره‌ی امور کشور بپردازند و از ظرفیت‌های احزاب و افکار مخالف خود در امور کشور استفاده نمایند.

گردآوری داده‌های مرتب شده کیو: برای دسته‌بندی، یک نمودار کیو برای ۳۹ عبارت پژوهش به‌گونه‌ای تنظیم گردید که بتواند مجموعه عبارات را در یک توزیع نسبتاً نرمال از موافقت (۱) تا مخالفت (۹) رتبه‌بندی کند (شکل ۱). حال بایستی از مشارکت‌کنندگان خواسته می‌شد که گزاره‌های نمونه‌ی کیو را بر اساس میزان موافقت و مخالفت در نمودار توزیع کنند. از آنجا که تعداد گزاره‌ها زیاد بود، ابتدا از افراد

خواسته شد که عبارات را به سه دسته‌ی کلی (موافق، بی‌نظر، مخالف) تقسیم کنند و سپس نمودار کیو در اختیار آن‌ها قرار می‌گرفت تا نسبت به مرتب نمودن گزاره‌ها در نمودار فوق اقدام نمایند.

شکل-۱. توزیع دسته‌بندی آیتم‌های کیو (نمودار کیو)



۲-۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

گروه‌بندی مشارکت‌کنندگان: با توجه به توضیحات داده‌شده، ماتریس عامل‌های چرخشی در پژوهش حاضر (پیوست ۱)، بیانگر شناخت ۴ عامل (گروه) متفاوت از ذهنیت مشارکت‌کنندگان در موضوع تحقیق است. بار عاملی افراد در ۴ عامل شناسایی شده مقایسه شده و هر نفر در گروهی قرار می‌گیرد که در آن بار عاملی بزرگتری دارد. به‌عنوان مثال مشارکت‌کنندگان A3 و A6 در گروه چهار جای می‌گیرند.

۶. یافته‌ها

نرم‌افزار این امکان را فراهم کرده‌است که بار عاملی هریک از گزاره‌های نمونه کیو تحت هر عامل (گروه) محاسبه گردد. با مرتب‌سازی بارهای عاملی در هر گروه (عامل) از بیشترین تا کمترین مقدار، گزاره‌های مشترکی که در هر گروه مورد موافقت یا مخالفت بیشتری قرار گرفته‌اند، و درحقیقت موجب تشخیص تمایز در ذهنیت افراد است، شناسایی می‌گردد (جدول ۳).

جدول-۳. مهم‌ترین گزینه‌های موافقت و مخالفت عامل‌ها

بیشترین گزاره‌های موافقت (+)		بیشترین گزاره‌های مخالفت (-)	
عامل ۱	۵، ۴	۱۷، ۲۱	۲۴، ۳۷
عامل ۲	۳۸، ۲۰	۹، ۱۹	۱۲، ۱۴
عامل ۳	۳، ۱۰	۳۹، ۱۳	۳۷، ۲۰
عامل ۴	۸، ۳۱	۲۵، ۱۶	۱۷، ۳۷

مرحله‌ی پایانی شناسایی ذهنیت‌ها و کشف الگوهای ذهنی با تجزیه و تحلیل گزاره‌های اصلی مورد موافقت و مخالفت مشارکت‌کنندگان (که گزاره‌های مورد موافقت با علامت مثبت و گزاره‌های مورد مخالف با علامت منفی در کنار شماره‌ی گزاره‌ی مربوطه نشان داده می‌شوند) است. با توجه به نظرات از حاصل نظرات گروه‌ها مستفاد می‌شود که تمامی گروه‌ها با نگاهی کل‌نگر به مسائل کشور می‌نگرند؛ چرا که گزاره‌های مورد انتخاب آن‌ها اغلب اشاره به مسائل اساسی و کلی دارد. به‌عنوان شاهد این مسأله، راه‌حل‌های معطوف به نهادهای واسط مانند احزاب و رسانه‌ها در گزینه‌های اصلی مورد موافقت و مخالفت آنان جایی ندارند (گزاره‌های ۲۲، ۳۶، ۳۵، ۳۴).

به‌طور کلی می‌توان چهار دیدگاه کلی را در عامل‌ها مشاهده نمود:

الف) گروه یک (رضایتمندان سیاسی با نگاه اقتدارگرا): در این گروه که ۴۰٪ از کل مشارکت‌کنندگان را به خود اختصاص داده و افرادی با سنین ۱۹ تا ۷۰ سال را در خود جای می‌دهد، میانگین سنی ۳۷ سال است. ۱ نفر دارای مدرک دکتری، ۳ نفر کارشناسی، و ۲ نفر دیپلم می‌باشند. به لحاظ گرایش سیاسی، نیمی خود را اصول‌گرا دانسته و باقی افراد خود را در هیچ گروه‌بندی سیاسی جای نداده‌اند. افراد این گروه، نگاهی رضایت‌مندانانه نسبت به ساختار سیاسی و اقتصادی حکومت دارند (+۴ و -۲۹ و -۲۴) و لذا با امید زیاد (-۳۷ و -۳۸)، منتظر روز به روز بهتر شدن اوضاع کشور، اما از طریق حاکمیت هستند (+۲۱ و +۱۷) و معتقدند در صورت پیروی مردم از حاکمیت که جایگاه حق و صحیحی برای آن قائلند، این مسأله تحقق خواهد یافت (+۴).

ب) گروه دو (اصول‌گرایان با نگاه منتقدانه و آرمانی): در این گروه که ۲۶٪ از کل مشارکت‌کنندگان را در خود جا داده است و افرادی از ۲۲ سال، تا ۶۵ سال را دربرمی‌گیرد، میانگین سنی ۴۲ سال است. نیمی از مشارکت‌کنندگان این گروه دارای مدرک کاردانی و کارشناسی، و باقی دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر هستند. به لحاظ گرایش سیاسی عنوان شده، ۳ نفر خود را اصول‌گرا دانسته، و ۱ نفر خود را متناسب با هیچ‌کدام از چهارچوب‌های رایج گرایش سیاسی در کشور ندانسته است. افرادی که در این گروه جای می‌گیرند، اگرچه که با وجوه اساسی حکومت کنونی موافقت و به‌خصوص بر صبغی اسلامی و دینی حاکمیت تأکید دارند (-۹ و -۲۹)، اما از وضعیت موجود حاکمیت راضی نبوده و آن را با ایده‌آل‌های خود منطبق نمی‌بینند (+۲۰)، و در عین حال رسیدن به وضع آرمانی خود را نیز ناممکن می‌دانند (+۳۸)؛ لذا برخلاف دیگر گروه‌ها، از آنجا که برقراری یک حکومت دلخواه و آرمانی را ناممکن می‌دانند؛ لذا به همان اندازه که بر نقش حاکمیت در بهبود امور تأکید دارند، عملکرد فردی مردم را نیز در بهبود شرایط مؤثر می‌دانند (+۶). این افراد به‌طور کلی با نگاه اقتصادی برای حل مشکلات مخالفت ورزیده (-۱۲ و -۱۴) و اولویت را در بهبود وضعیت اخلاقی از سوی هم مردم و هم مسئولین دانسته‌اند (+۶ و +۱۹).

ج) گروه سه (ناراضیان سیاسی با نگاه لیبرال): در این گروه که ۲۰٪ از کل شرکت‌کنندگان را به خود اختصاص داده میانگین سنی افرادی از ۲۴ تا ۶۲ سال، ۳۷ است. ۲ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد، و ۱ نفر نیز دارای مدرک کارشناسی است. گرایش سیاسی عنوان‌شده از سوی این افراد، ۲ نفر اصلاح‌طلب و ۱ نفر اپوزوسیون است. افرادی که در گروه سه جای گرفته‌اند، نگاهی منتقدانه نسبت به جایگاه دین در

امور کشور و به‌خصوص حکومت دارند(-۴ و -۱۸ و -۲۰) و معتقدند افراطی‌گرایی دینی موجب عمده‌ی مشکلات کشور است(+۱۰ و -۲۰)؛ لذا به مانند گروه یک، از آنجا که عمده‌ی مشکلات را متوجه ساختار حاکمیت می‌بینند، در عین حال امیدوارند(-۳۷) به‌زودی با به صحنه آمدن مردم(+۳) و ابراز مخالفت با حاکمان(-۱۸ و -۴) نظام حکومتی مطلوب ایجاد شود. این گروه که مخالف اقتدارگرایی حکومت بوده و بر نقش بیشتر مردم در اداره‌ی مملکت قائل هستند(-۱۸ و -۲۰)، سهم خود و تفکر خود را در حاکمیت ناچیز می‌پندارند(+۳۹). آنان همچنین بر مسائل اقتصادی به عنوان یک راه حل مهم در کنار اصلاح سیاسی تأکید دارند(+۱۳).

د) گروه چهار(ناراضیان سیاسی با نگاه رادیکال): ۱۳/۳۳٪ از کل مشارکت‌کنندگان در این گروه قرار گرفته‌اند. میانگین سنی آنان ۳۶ سال و از ۱۷ تا ۵۵ سال سن دارند. ۱ نفر دارای مدرک دیپلم، ۱ نفر کارشناسی ارشد و به لحاظ گرایش سیاسی عنوان شده همگی اصلاح‌طلب هستند. به نظر می‌رسد افراد گروه چهار به‌طور کلی و اساسی مخالفت می‌ورزند(-۳۲ و -۱۷) و به خلاف دو گروه نخست، از ایفای نقش دین در جامعه راضی نبوده، خواستار کمرنگ‌تر شدن حضور دین در عرصه‌های اجتماعی هستند(-۵). این عده با نگاهی تند و انتقادی، کشور را گرفتار استبداد می‌دانند(+۲۵) و معتقدند عده‌ای که مستوجب این استبداد هستند، باید با برخورد تند مواجه شده و مجازات شوند(+۳۱). این گروه که به نظر می‌رسد به‌طور کلی نگاهی معترضانة نسبت به هرآنچه شرایط موجود است دارند، اگرچه که راه‌حل‌های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی برای بهبود اوضاع پیشنهاد می‌کنند، اما تکرر موجود در ابراز مخالفت‌ها و موافقت‌های آنان نشان می‌دهد که آنان پیشنهاد و رویه‌ی خاصی را برای بهبود امور در نظر ندارند و تنها به ابراز مخالفت افراطی می‌پردازند.

۷. نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی شد تا الگوی ذهنیت افراد در مورد نحوه‌ی نگرش آنان به موضوع «چگونگی بهبود اوضاع کشور» مورد شناسایی قرار گیرد. برای این منظور از روش شناسی کیو برای شناسایی ذهنیت شهروندان استفاده شد.

با توجه به نتایج به‌دست آمده در این پژوهش، ۴ نوع ذهنیت شناسایی گردید که تقریباً تمامی آن‌ها نگاهی امیدوارانه برای بهبود امور داشته و نوع گرایش سیاسی آنان نیز در نظرات آنان مؤثر بوده‌است. اما از منظری کلی‌تر این چهار نوع ذهنیت به لحاظ نوع نگاه آنان به مقوله‌ی حاکمیت و مردم و نقش هر کدام در بهبود امور، خود به دو دسته‌ی کلی تقسیم می‌گردند:

الف) در حالت اول در صورتی که مردم نقش خود در کارآمدی حکومت را ناچیز بشمارند، در صورت عدم رضایت از وضعیت، مشکل را در عدم حرکت صحیح حکومت دانسته و معتقدند باید به‌وسیله‌ی مردم حکومت صالح برقرار شود تا اوضاع اصلاح شود. این، همان فرهنگ سیاسی به ارث رسیده سنتی ایرانیان است که بر اساس آن «شاه(حاکمیت) را وجودی مقدس دانسته و مردم علت نابسامانی‌های زندگیشان را نتیجه‌ی بدکرداری و ستمگری کارگزاران حکومت می‌دانند.»(قاضی مرادی، b، ۱۳۸۷، ص ۲۲۰)؛ لذا

صاحبان این نگرش، نقش مردم را محدود در برقراری یک حکومت صالح دانسته و اصلاح امور را به‌عهده‌ی حکومت می‌دانند (گروه سه). گروه دیگری با این نوع نگرش، در صورت رضایت از حاکمیت، باز هم عامل توفیقات را ساختار حکومت و صلاحیت حاکمان دانسته و اصلاح وضعیت را به‌عهده‌ی حکومت می‌دانند، با این تفاوت که برای تحقق این امر، نقش مردم را تنها در پیروی از حاکمان تعریف می‌نمایند (گروه یک). همچنین می‌توان از نتایج پژوهش استنباط نمود که افرادی از این دسته، ممکن است به گرایش‌های تند و رادیکال تمایل پیدا کنند و به ناراضیانی که تنها به دنبال تغییرات کلی به هر نحو هستند، تبدیل شوند که راه‌حل خاصی برای ایجاد تغییر، جز نفس تغییرات اساسی ارائه نمی‌دهند (گروه چهار).

ب) اما در صورتی که مردم نقش خود را در کارآمدی حکومت پررنگ ببینند، در صورت رضایت یا عدم رضایت از حکومت، نقش مردم و حکومت را به‌طور توأمان در شکست‌ها یا توفیقات مؤثر دیده و با تأکید بر نقش هم‌زمان مردم و حاکمان برای اصلاح امور، راه‌حل‌هایی ملموس و عملی را برای این منظور در ذهن دارند (گروه دو). نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد این گروه از افراد با این نوع نگرش توانسته‌اند آرمان‌گرایی خود را با واقع‌نگری در هم آمیزند و بدین‌سان از دام افراطی‌گری رهایی یابند.

این دسته‌بندی نشان می‌دهد که طرز تلقی مردم از جایگاه و نقش خود در مشروعیت و کارآمدی حکومت و در واقع فرهنگ سیاسی غالب بر آن‌ها، عامل تعیین‌کننده‌ای در نوع نگاه آنان به مسائل و مشکلات کشور و راه‌حل آن و در نتیجه شیوه‌ی کنش و واکنش آن‌ها در امور مختلف است. همچنین می‌توان ادعانمود که فرهنگ سیاسی عده‌ای از مردم ایران در دوره‌ی معاصر، منطبق بر فرهنگ مطلوب مردم‌سالاری دینی نیست، و این مسأله هم در میان موافقان و هم منتقدان نظام جمهوری اسلامی ایران مشترک است.

با توجه به مسائل پیش‌گفته پیشنهاد می‌شود مدیران ارشد جامعه، تصمیم‌سازان سیاسی و نخبگان دارای نفوذ، جهت افزایش مشارکت مردم در اصلاح امور، پیشگیری و کاهش امکان حرکت به‌سوی استبداد از سوی حاکمان یا حاکمیت و پرهیز از ایجاد رادیکالیسم در جامعه، به مدیریت افکار عمومی از طریق اصلاح فرهنگ سیاسی مردم در مقوله‌ی رابطه‌ی دولت و ملت روی آورند. بدین‌منظور بایستی مردم را علاوه بر اینکه با حقوق خود آشنا می‌سازند، با وظایف خود نیز آشنا سازند و نکته‌ی مهم در این مسأله این است که این دو به‌طور هم‌زمان انجام گیرد.

۸. پیشنهادات

پیرو این پژوهش، لازم است پژوهش‌هایی در راستای شناسایی زمینه‌های ایجاد مشارکت سیاسی در ایران صورت گرفته و راهکارهای بومی پیشگیری و حل بحران‌های مشارکت، جهت ایجاد مشارکت حداکثری در جامعه، بررسی و ارائه گردد.

منابع

- [آیت الله] حسینی خامنه‌ای، علی، *روزنامه اطلاعات*، ۸۲/۱۰/۱۴.
- [آیت الله] موسوی خمینی، روح الله (۱۳۶۹). *البیع*. ج ۲. قم: اسماعیلیان.
- [آیت الله] موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۵). *صحیفه‌ی امام*. ج ۴، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- [آیت الله] موسوی خمینی a، روح الله (۱۳۷۸). *صحیفه‌ی امام*. ج ۵، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- [آیت الله] موسوی خمینی b، روح الله (۱۳۷۸). *صحیفه‌ی امام*. ج ۱۸، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- [آیت الله] موسوی خمینی c، روح الله (۱۳۷۸). *صحیفه‌ی امام*. ج ۶، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- آقابخشی، علی و افشاری‌راد، مینو (۱۳۸۳). *فرهنگ علوم سیاسی*. تهران: چاپار.
- ابن طقطقی، محمدبن‌علی (۱۳۶۰). "تاریخ‌فخری در آداب‌ملکداری و دولت‌های اسلامی". وحید گلپایگانی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- اسحاقی، سیدحسین (۱۳۸۰). "اصول و ویژگی‌های مردم‌سالاری دینی". *مجله‌ی مبلغان*، شماره ۶۹. بشیریه، حسین (۱۳۸۰). "موانع توسعه‌ی سیاسی در ایران". تهران: گام‌نو.
- بصیری، محمدعلی (۱۳۷۹). "مفهوم امنیت ملی". *فصلنامه‌ی خاورمیانه*، شماره ۲۸.
- پای، لوسین (۱۳۸۰). "بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه‌ی سیاسی". غلامرضا خواجه‌سروی. تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی.
- جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۷۸). "ولایت فقیه؛ ولایت فقاقت و عدالت". قم: اسراء.
- چاندوک، نیرا، فاطمی، فریدون و بزرگی، وحید (۱۳۷۷). "جامعه‌ی مدنی و دولت: کاوش‌هایی در نظریه‌ی سیاسی". تهران: مرکز.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۲). "مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی". تهران: سمت.
- حسینی، یعقوب، بهجتی اردکانی، بابک و رحمانی، سحر (۱۳۹۰). "شناسایی ذهنیت افراد نسبت به سیاست‌های خصوصی‌سازی در ایران (سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی) با استفاده از روش‌شناسی کیو". *فصلنامه‌ی کاوش‌های مدیریت بازرگانی*. سال سوم شماره ۶.
- حشمت‌زاده، محمدباقر (۱۳۸۵). "جامعه‌شناسی سیاسی ایران". *نشریه‌ی زمانه*. شماره ۵۳ و ۵۴.
- حشمت‌زاده، محمدباقر (۱۳۷۹). "ارتباطات و امنیت ملی در جنگ عراق و ایران". تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- حیدری، احمد (۱۳۸۲). "مردم‌سالاری دینی در بیان مقام معظم رهبری". *فصلنامه‌ی حکومت اسلامی*. شماره ۲۹.

- خوشگویان فرد، علیرضا (۱۳۸۶). "روش‌شناسی کیو". تهران: مرکز تحقیقات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- دانایی فرد، حسن، الوانی، سیدمهدی و آذر، عادل (۱۳۸۷). "روش‌شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع". تهران: صفار.
- دانایی فرد، حسن، الوانی، سیدمهدی و آذر، عادل (۱۳۸۸). "روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع". تهران: صفار.
- رزاقی، سهراب (۱۳۷۵). "مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی ما". فصلنامه‌ی نقد و نظر، سال دوم، تابستان و پاییز.
- رئوفت، رحیم (بی‌تا). "مبانی اقتدار در فرهنگ سیاسی ایران". بازیابی شده از پرتال جامع علوم انسانی به آدرس: <http://www.ensani.ir/fa/content/124436/default.aspx>
- زاهدی، شمس‌السادات و الوانی، سیدمهدی و فقیهی، ابوالحسن (۱۳۷۹). "فرهنگ جامع مدیریت". تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- سازمان تبلیغات اسلامی (۱۳۷۸). "حدیث ولایت (مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری)". تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- سردارآبادی، خلیل‌الله (۱۳۸۰). "تأثیر تغییرات ساختاری و جهانی‌شدن بر فرهنگ سیاسی ایران". فصلنامه‌ی مطالعات ملی، شماره ۱۰.
- سید ابن طاووس (۱۳۸۵). "کشف المحجّه یا فانوس". ترجمه‌ی اسدالله مبشری. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- سیدرضی (۱۳۷۹). "نهج‌البلاغه". ترجمه‌ی مصطفی زمانی، قم: نبوغ.
- سیف، احمد (۱۳۹۰). "همچون شبان - رمگیم". هفته‌نامه‌ی شهروند امروز. شماره ۸۲.
- شاکرین، حمیدرضا (۱۳۸۲). "حکومت دینی". قم: معارف.
- صحرايي، علی (۱۳۹۱). "شکاف نظری و رفتاری در فرهنگ سیاسی دانشجویان دانشگاه تهران و عوامل مؤثر بر آن". *Journal of Social Sciences*. دوره ۹، شماره ۲.
- طباطبایی، جواد (۱۳۸۳). "زوال اندیشه‌ی سیاسی در ایران". تهران: کویر.
- قاضی مرادی a، حسن (۱۳۸۷). "استبداد در ایران". تهران: اختران.
- قاضی مرادی b، حسن (۱۳۸۷). "ملکم خان نظریه‌پرداز نوسازی سیاسی در عصر مشروطه". تهران: اختران.
- قائدی، محمدرضا (۱۳۸۳). "مشروعیت و کارآمدی نظام سیاسی". مجله‌ی راهبرد، ش ۳۱.
- قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۷). "حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت". انتشارات معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.

- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۸). "چالش‌های توسعه‌ی سیاسی". تهران: قومس.
- کمالی‌اردکانی، علی‌اکبر (۱۳۸۳). "دولت انتخابی و مردم‌سالاری". تهران: کویر.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۷). "حقوق و سیاست در قرآن". قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۱.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸). "نظریه‌ی سیاسی اسلام". قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۲.
- معینی، صغری (۱۳۷۰). "فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات مدیریت و سازمان". تهران: وزارت کشاورزی.
- نادری قمی، محمدمهدی (۱۳۸۷). "نگاهی گذرا به ولایت فقیه". قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- وینسنت، اندرو. "نظریه‌های دولت". بشیریه، حسین (۱۳۸۱). تهران: نی.
- همایون، سیدحسین (۱۳۸۰). "جایگاه مردم در حکومت از نظر محقق نراقی". *مجله‌ی حوزه*، شماره ۱۰۷ و ۱۰۸، صص ۲۷۲-۲۷۳.
- همایون، سیدحسین (۱۳۸۰). "جایگاه مردم در حکومت از نظر محقق نراقی". *مجله‌ی حوزه*، شماره ۱۰۷ و ۱۰۸.
- Addams, H., Q methodology. In H. Addams, & J. Proops (Eds.), "**Social Discourse and Environmental Policy: An Application of Q Methodology**", 2000, pp 14-40.
- Almond, G.A. and SIDNEY VERBA (1974). "**The Civic Culture**". Princeton: Princeton university press.
- Amin, Z. (2000). "**Q Methodology – A Journey into the Subjectivity of Human Mind**". *Singapore Medical Journal*, 41 (8): 410–414.
- Brown, S.R., 1996, "**Q Methodology and Qualitative Research**", *Qualitative Health Research*, 6(4), pp. 561-567.
- Brouwer, M. (1999). "**Q is Accounting for Tastes**". *Journal of Advertising Research*, 39 (2): 35-39.
- Donner, J. (2001), "**Using Q-Sort in Participatory Processes: An Introduction to the Methodology**". In R. A. Krueger, M. A. Casey, J. Donner, S. Kirsch, & J. N. Maack, *Social Development Papers* (Vol. June). Washington, D.C: *Social Development Department of the World Bank*. pp 24-49.
- Mrtek, R. G., Tafesse, E., & Wigger, U. (1994), "**Q-Methodology and Subjective Research**". *Journal of Social and Administrative Pharmacy*, 13, pp 54-64.
- Ten Klooster, P. M., Visser, M., & de Jong, M. D. (2008). "**Comparing Two Image Research Instruments: The Q-Sort Method Versus the Likert Attitude Questionnaire**". *Food Quality and Preference*. 19, pp 511-518.

پیوست - ۱. جدول عامل‌های تعیین شده توسط نرم‌افزار SPSS

	Component			
	1	2	3	4
A1	.736	.320	-.087	.371
A2	.799	.276	.123	.020
A3	-.672	-.221	-.155	.354
A4	.687	.176	.338	.427
A5	.095	-.073	.760	.104
A6	.042	.098	.219	.825
A7	.512	.191	.440	-.141
A8	.866	.158	-.001	.022
A9	.301	.078	.850	-.029
A10	.420	.712	.109	-.104
A11	-.108	.155	.725	.346
A12	.171	.879	.062	-.049
A13	.203	.736	.267	.233
A14	.252	.680	-.308	.235
A15	.513	.416	.364	.140

Exploring Attitudes toward Relationship between Government and Nation in Iran: A Q-Methodology Study

Mojtaba Ahmadian, Rohollah Eslami

Received: 28 October 2013

Accepted: 13 February 2014

In an Islamic democracy system, people have an effective role in creating acceptability for government, in order to make it efficient. But according to some different factors, people's attitude towards their role and its extent in the government changes during the time; that is an effective factor in determining the interaction between nation and government, and thus determining the acceptability and effectiveness of the government. This study aims to examine Iranian's attitudes about the ways to improve situation and life standards in Iran and to identify the influence of probable factors in their attitudes. For this purpose, Q methodology is used to explore the attitudes and factors in it. This methodology after identifying the existing discourses, chooses attitudes of different people who were polled and then checks them out, and detects and analyzes the mentality of individuals in each group. The result of this study indicates that, the type of people's attitude towards relationship between the nation and the government and consequent their role in making government efficient is a determining factor in their approach towards the national issues and problems and the style of their social and political behaviors as well, thus it clearly shows that how senior managers should pay attention to manage public opinion and modifying public attitudes in this case.

Key Words: *Q-Methodology, Political Culture, Islamic Democracy, Legitimacy, Effectiveness.*